

نگاهی به **sitzen, setzen, legen, liegen, stellen, stehen** در زبان آلمانی

written by مرتضی غلام نژاد | می 31, 2018

سلام دوستان ، در درس امروز می خواهیم با هم نگاهی داشته باشیم به افعالی که از نظر مفهومی مشابه و نزدیک بهم هستند.

setzen – sitzen

legen – liegen

stellen – stehen

در این درس می خواهیم با هم به طور دقیق و قابل فهم تر این افعال را از نظر گرامری یا دستور زبانی مورد بررسی قرار بدهیم

قبل از هر چیز اجازه بدهید اینگونه درس را شروع کنیم

رنگ آبی به مفهوم **Akkusativ** می باشد

رنگ قرمز به مفهوم **Dativ** می باشد

setzen

گذاردن ، نهادن ، قرار دادن ، نشانیدن

گذشته ساده : **setzten**

گذشته کامل : **haben gesetzt**

sitzen

نشستن ، قرار گرفتن ، به سر بردن

گذشته ساده : **saßen**

گذشته کامل : **haben geseßen**

legen

قرار دادن ، نهادن ، گذاشتن

گذشته ساده : **legten**

گذشته کامل : **haben gelegt**

liegen

قرار داشتن

گذشته ساده : **lagen**

گذشته کامل : **haben gelegen**

stellen

نهادن ، قرار دادن ، گذاردن

گذشته ساده : **stellten**

گذشته کامل : **haben gestellt**

stehen

قرار داشتن

گذشته ساده : **standen**

گذشته کامل : **haben gestanden**

خب دوستان وقتی به معانی این افعال در زبان فارسی نگاه می کنیم ، پی می بریم که از نظر مفهومی در زبان فارسی بسیار نزدیک به هم هستند ، آیا در زبان آلمانی نیز به این صورت است؟! پاسخ منفی است.

باید در اینجا کمی سعی کنیم همانند یک آلمانی فکر کنیم ، وقتی یک آلمانی به فعل **setzen** نگاه میکند ، برداشتی اینگونه دارد : برود چیزی را در جایی قرار بدهد (حرکت وجود دارد) که چون می توانی چیزی را یا کسی را ببرد در جایی قرار بدهد پس این فعل می تواند Reflexiv یا انعکاسی نیز باشد ، مثلا : من خودم را می برم در جایی قرار میدهم یا می نشانم.

نکته مهم : این نوع برداشت برای **legen, liegen** و همچنین **stellen, stehen** نیز به همین صورت می باشد!

حال نگاه یک آلمانی از نظر دستور زبانی به این فعل اینگونه است:

Wohin setze ich mich?

من خودم را به کجا می نشانم □

صبر کنید! اگر یادتان باشد گفتیم هرگاه بتوانیم جمله را با **wohin** سوالی کنیم ، یعنی فعل ما **Akkusativ** ساز است و در پاسخ آن سوال نیز باید ما **Akkusativ** جواب بدهیم!

به این سوال توجه کنید:

Wenn es regnet, setze ich mich gerne in — Café

وقتی باران می بارد ، من خودم را در یک کافه می نشانم (قرار میدهم)

به نظر شما در جایی خالی باید **ein** بیاد یا **in einem** □

از آنجایی که گفتیم فعل **setzen** یک فعل **Akkusativ** است ، در واقع گزینه **einem** حذف می شود زیرا برای حالت اسمی **Dativ** است.

اما دلیل منطقی؟

Das Café آن قهوه خانه

Ein Café یک قهوه خانه ای

اسامی خنثی در حالت اسمی **Akkusativ** تغییر نمیکنند و حرف اضافه **in** در اینجا نیز یک حرف اضافه **Akkusativ** ساز است برای اینکه فعل جمله ما **setzen** یک فعل **Akkusativ** است!!!!

از کجا درک کنیم که یک فعل **Akkusativ** یا **Dativ** است؟

پیشنهاد میکنم دروس زیر را مطالعه کنید :

جزء **Akkusativ** oder **Dativ** (کلیک کنید)

پس از آنجایی که فعل **setzen** یک فعل **Akkusativ** بود ، جمله ما اینگونه می شود :

Wenn es regnet, **setze** ich **mich** gerne **in ein Café**

وقتی باران می بارد ، من خودم را در یک کافه می نشانم (قرار میدهم)

اما حال اگر کسی از ما بپرسد که **wo bist du?** کجا هستی ، آنگاه به سر وقت **sitzen** میرویم.

اما قبل از اینکه بخواهم بیشتر در این رابطه توضیح بدهم ، اجازه بدهید به شکل دیگری مفهوم دو فعل **setzen** و **sitzen** را در فارسی بررسی کنیم

setzen -> ما برویم چیزی را یا کسی را در جایی قرار بدهیم یا بنشانیم (حرکتی)

sitzen - در جایی نشسته باشیم (ساکن)

نکته : هر فعلی که **ساکن** باشد و به همراه حروف اضافه بیاید ، که معمولاً حرف اضافه in می باشد ، آنگاه اسم جمله باید به حالت **Dativ** برود.

نکته : هر فعلی که **حرکتی** باشد و به همراه حروف اضافه بیاید ، که معمولاً حرف اضافه in می باشد ، آنگاه اسم جمله باید به حالت **Akkusativ** برود.

به همین دلیل حرکتی و ساکن بودن افعال است که بعضی از حروف اضافه ما هم می توانند **Akkusativ** ساز باشند و هم می توانند **Dativ** ساز باشند ، یعنی بستگی دارد که به همراه یک فعل ساکن یا حرکتی در جمله آمده باشند.

پس یکبار دیگر به مثال اول درس برگردیم :

Wenn es regnet, **setze** ich **mich** gerne **in ein Café**

وقتی باران می بارد ، من خودم را در یک کافه می نشانم (قرار میدهم)

Danach **sitze** man **in einem Café**

بعد از آن یا پس از آن آدم در یک کافه نشسته

Wo sitze ich?

من کجا نشستم؟

wo? -> Dativ

Ich sitze in einem Café

من در یک قهوه خانه یا کافه نشسته ام

خلاصه :

فعل **setzen** یک فعل **Akkusativ** است و اگر با حرف اضافه **in** آمده باشد ، آنگاه اسم جمله (که در این درس **das Café**) بود به حالت **Akkusativ** می‌رود.

فعل **sitzen** یک فعل **Dativ** ساز است و اگر با حرف اضافه **in** آمده باشد. آنگاه اسم جمله (که در این درس **das Café**) بود به حالت **Dativ** می‌رود.

نکته : البته به غیر از **in** ما حروف اضافه دیگری نیز داریم که هم می‌توانند **Akkusativ** و هم **Dativ** ساز باشند.

برای آشنایی با دیگر حروف اضافه ، همان جزوه ی که در بالا لینک کردم را نیز در اینجا لینک میکنم.

جزوه **Akkusativ oder Dativ** (کلیک کنید)

چند مثال برای درک بیشتر :

Der Hund saß unter dem Tisch

آن سگ در زیر یک میز نشسته بود.

فعل **sitzen** در گذشته ساده **saßen** می‌شود و برای ضمیر سوم شخص مفرد می‌شود **saß** و از طرفی حرف اضافه **unter** نیز **Dativ** ساز است، بنابراین اسم جمله که **der Tisch** است ، به حالت اسمی **Dativ** می‌رود.

sich setzen

خود را بردن و در جایی قرار دادن یا نشاندن

در اصطلاح :

Setzt dich

تفکر آلمانی : خودت را بنشان ، خودت را قرار بده

تفکر فارسی : بفرما بشین!

Bitte setzen Sie sich

تفکر آلمانی : لطفاً خودتان را بنشانید

تفکر فارسی : لطفاً بفرمایید بنشینید

sich an den Tisch setzen

تفکر آلمانی : خود را (بردن) و در دور یا اطراف میز نشاندن

تفکر فارسی : برویم و دور آن میز بنشینیم

Wir setzen uns an den Tisch

ما (میرویم) خودمان را در دور آن میز قرار بدهیم (بنشانیم)

Wir sitzen am Tisch

ما در دور آن میز نشستیم

Ein Kind auf einen Stuhl setzen

یک بچه را (ببریم) به روی یک صندلی قرار بدهیم (بنشانیم)

Das Kind sitzt auf einem Stuhl

آن بچه به روی یک صندلی می نشیند.

Einen Topf auf den Herd setzen

یک قابلمه را به روی اجاق گاز قرار دادن (نشاندن)

Etwas in die Zeitung setzen

چیزی را در روزنامه قرار دادن (نشاندن)

Das Kind kann nicht still **sitzen**

آن بچه نمی تواند ساکت **بنشیند**

حال اگر بخواهیم به همراه حروف اضافه و اسم بیاوریم :

Das Kind kann nicht still **auf dem Stuhl sitzen**

آن بچه نمی تواند ساکت **به روی صندلی بنشیند**.

Ich **setze** das Kind ruhig **auf den Stuhl**

من آن بچه را به آرامی به روی آن صندلی قرار میدهم (می نشانم)

چنانچه نحوه و کاربرد **setzen, sitzen** را درک کرده باشید ، بنابراین می توانید **legen, liegen** و همچنین **stellen, stehen** را به خوبی درک کنید.

چند مثال و پایان درس :

Ich **lege** den Ball auf den Boden

من آن توپ را به روی زمین میگذارم

Der Ball **liegt auf dem Boden**

آن توپ به روی زمین قرار دارد

Ich **stelle die Flasche auf den Boden**

من آن بطری را به روی زمین میگذارم

Die Flasche **steht auf dem Boden**

آن بطری به روی زمین قرار دارد.

خب تفاوت ها در چیست؟ از کجا بدانیم کدام را باید استفاده کنیم؟

یادتان هست در درس گذشته گفتیم که در زبان آلمانی هر کاری یا هر چیزی فعل ، قید ، اسم و ... مربوط به خودش را دارد. در اینجا نیز باید باز بگوییم که در فکر آلمانی یا بهتر است بگوییم در زبان آلمانی ، ما برای قرار دان و گذاشتن نیز افعال مربوط به خودش را داریم.

legen گذاشتن به صورت خوابیده یا افقی – (حرکتی ، ببریم چیزی را به جا به صورت افقی یا خوابیده بگذاریم)

stellen گذاشتن به صورت ایستاده یا عمودی I (حرکتی ، ببریم چیزی را به جا به صورت عمودی یا ایستاده بگذاریم)

ligen قرار داشتن به صورت خوابیده یا افقی – (چیزی به صورت خوابیده یا افقی در جایی قرار داشته باشد)

stehen قرار داشتن به صورت ایستاده یا عمودی I (چیزی به صورت ایستاده یا عمودی در جایی قرار داشته باشد)

setzen بردن و نشانیدن (چیزی یا کسی را ببریم در جایی بنشانیم)

sitzen نشستن (کسی یا چیزی در جایی نشسته باشد)

با آلمانی را آسان ، ساده و رایگان بیاموزید ۴

موفق باشید.